

# بررسی مولفه های تربیت شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

## فصل اول

### مقدمه

میتوان گفت، شهروندی به این معناست که هر انسانی پا به عرصه گیتی می گذارد به عنوان یک شهروند می باشد. هر فردی به انواع گوناگونی از جوامع از خانواده و جامعه محلی گرفته تا جامعه ملی و بین المللی و انسانی متعلق است و باید از تمام حقوق خود در این جوامع برخوردار باشند و مسئولیت های شهروندی را برعهده بگیرد.

در دو دهه اخیر نگاه ویژه تربیت برای شهروندی فعال این عرصه را دچار تحول نموده است و بازنگری همه جانبه برنامه های درسی و عناصر آن در سطوح مختلف را ضروری ساخته است. در اکثر کشورهای توسعه یافته و برخی کشور های در حال توسعه، برنامه های تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است (فتحی و اجارگاه، 1381).

همانطور که می دانیم در زمینه برنامه های تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت تحقیقات گسترده ای مانند راه اندازی موسسات و مراکز علمی و پژوهشی در برخی از کشور های در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته صورت گرفته است که به عنوان یک سند معتبر برای بسیاری از محققان و پژوهشگران سراسر دنیا مورد استفاده واقع می شود تصریح شده که در دهه 1990 تربیت شهروندانی فعال و موثر یکی از هدف های مهم و کلیدی در برنامه درسی کشورهای توسعه یافته بوده است اما متأسفانه علی رغم چنین روندی در جامعه ایران، مقوله تربیت شهروندی به گونه جدی مورد توجه نظام آموزش و پرورش نیست و عدم تناسب برنامه های درسی نظام آموزش و پرورش با بسیاری از نیازهای جدید به ویژه های سیاسی اجتماعی و فرهنگی به وضوح قابل مشاهده است این بیان به ویژه در مورد نظام آموزش رسمی کشور در قالب مراحل و مقاطع تحصیلی رسمی مصداق دارد (فتحی و اجارگاه، دیبا و اجاری، 1381)



بدون در دست داشتن تصویر روشنی از فرایند تربیت شهروندی در هر جامعه ای نمی توان به تدوین اهداف، اصول، روش ها و مراحل تربیت افراد به عنوان شهروندان فعال و مورد پسند جامعه پرداخت.

در حوزه تربیت شهروندی دو رویکرد غالب وجود دارد، این دو رویکرد عبارتند از :

- ✓ رویکرد محافظه کار که تاکید بر اجتماعی کردن و آماده کردن افراد برای خدمت به دولت ملی و تابعیت موثر دارد.
- ✓ رویکرد پیشرفت گرا، تدارک دهنده فرصت هایی برای فراگیران جهت درگیری و مشارکت فعال به عنوان عضوی از مدرسه و اجتماع بزرگتر است (کرو کلیور، 2004 به نقل از قلناش، 1391)

بنابراین شهروندی فعال به مشارکت فعال در جامعه و اعمال حقوق شهری، سیاسی، اجتماعی از طریق مشارکت فعال در سطح ملی و بین المللی دلالت دارد که این خود در بر گیرنده دانش و فهم از حقوق ساختارها و رویه های دموکراتیک و اجتناب از اعمال تبعیض آمیز برای افراد و گروه های خاص است.

مشارکت شهروندان در امور جامعه یکی از ارکان اساسی جوامع مردم سالار و مدنی است چرا که شهروندی در یک جامعه مدنی اول از همه با مشارکت فعال در مسائل عمومی مشخص می شود.

اگر بخواهیم شهروندانی فعال و مشارکت جو در امور کشور تربیت کنیم شایسته است در مدارس نیز دانش آموزان را در امور مختلف کلاس و مدرسه مشارکت دهیم (برخورداری، جمشیدیان، 1387)

تحقق ارزش ها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیر ساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور، در عرصه های مختلف است و تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان های عالم، متقی، آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته است و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده تا با الهام گیری از اسناد بالا دستی و بهره گیری از ارزش های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق 1404 هجری شمسی تبیین شود. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، مبتنی بر آرمان های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق 1404 ترسیم گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی انقلابی و الهام بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین المللی است (سند تحول بنیادین، 1390)

سند تحول بنیادین به دنبال یافتن فلسفه آموزش و پرورش است این فلسفه مشخص می کند که ما دنبال چه هستیم و کجا می خواهیم برویم و بر اساس این فلسفه برنامه ریزی می شود و راه ها و خط مشی ها مشخص می گردد. بر همین اساس است که گفته می شود آموزش باید از روز مرگی بیرون بیاید.

- ✓ یکی دیگر از اهداف سند تحول بنیادین افزایش اعتماد بنفس و تقویت روحیه ی خود باوری در دانش آموزان است.
- ✓ سند تحول بنیادین عاملی در تربیت دانش آموزان خلاق و پایبند به ارزش های اسلامی است.

- ✓ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر برقراری عدالت آموزش و پرورش برای تمام دانش آموزان در سراسر کشور تاکید ویژه دارد.
- ✓ یکی دیگر از اهداف این سند تربیت دانش آموزان شجاع خلاق و پرسشگر و دین مدار می باشد و براساس این هدف افراد خروجی آموزش و پرورش انسان های متدین و لایق کشور و نظام جمهوری اسلامی خواهند بود(سند تحول بنیادین،1390)

باتوجه به مطالب عنوان شده در رابطه با تربیت شهروندی و مهم و اساسی بودن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران نگارنده در صدد بوده است میزان توجه به مؤلفه های شهروندی فعال را در این سند ارزشمند بررسی کند.

### **اهمیت و ضرورت**

بی گمان تربیت شهروندان فعال یکی از دل مشغولی های اکثر نظام های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیا می باشد. مطالعات و پژوهش های انجام شده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می دهد که مسؤلان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه های آموزشی متنوع، تربیت شهروند فعال را در حدود اقدامات و فعالیت های خود قرار داده اند.

تربیت شهروندی نه تنها بنیاد تعلیم و تربیت رسمی است بلکه انتقال ارزش های فرهنگی نیز از طریق تربیت شهروندی صورت می پذیرد، بدین ترتیب تربیت شهروندی با ارزش های فرد سروکار دارد (هوای لی، 2005 ص 24).

نهاد آموزش و پرورش یک کشور نقش اساسی در تربیت شهروندان آن جامعه و آموزش و توسعه حقوق انسانی دارد. اگر چه شکل گیری و رشد شخصیت افراد یک جامعه الزاما وابسته به تعلیم و تربیت نیست لکن باید اذعان داشت؛ بخش اعظمی از رشد فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می گیرد. در واقع تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهم ترین و هدفمندترین بخش تربیت آدمی است که اثرات آن را به گونه ای همه جانبه می توان در زندگی انسان ها و در ابعاد مختلف؛ فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و اخلاقی آنان مورد مشاهده، بحث و بررسی قرار داد. از سویی دیگر، پویایی و نشاط یک جامعه به مشارکت فعالانه نسل جوان آن در امور مختلف جامعه منوط است، نسلی که آگاهانه و با شخصیتی توسعه یافته بتواند در جامعه اش مشارکت همه جانبه داشته و نقش شهروندی خود را به خوبی ایفا نموده و در برخورد با مسائل و مشکلات، منطقی بیندیشد و عاقلانه در جهت حل آنها تصمیم گیری نماید، بنابراین تربیت و آموزش شهروندی عبارت از

دانش و آگاهی فراگیران نسبت به حقوق شهروندی و انسان، کسب مهارت‌های لازم و ارزش‌هایی که برای زندگی در یک جامعه تعیین و با اهمیت و ضروری فرض شده است و هم چنین درک پیچیدگی‌هایی که در سطوح؛ ملی، محلی منطقه ای و جهانی وجود دارد. این آموزش‌ها در وهله اول از طریق حضور طولانی مدت در مدرسه و به عهده نظام آموزش و پرورش رسمی و پس از آن نظام‌های غیررسمی آموزش است (فیاض، 1393).

اهمیت عملکرد آموزش و پرورش تا بدان جاست که روسو آن را «کشتی نجات دهنده بشر اجتماعی» و کانت آن را «ابزاری برای انسان نمودن انسان» می‌داند. همچنین آن را عاملی معنابخش به زندگی همه ی افراد جامعه می‌دانند. به طور کلی، هدف از تشکیل نظام آموزشی در سراسر دنیا را می‌توان در دو هدف کلی پرورش شخصیت انسان و رفع نیازهای اجتماعی، خلاصه نمود (فتحی واجارگاه و واحد چوکده، 1385).

بدیهی است که کشورهای مختلف جهان با توجه به ماهیت و زیر ساخت‌های حکومتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و نظامی، تصویری خاص از انسان و جامعه ی مطلوب، در نظر داشته باشند. روشن است که رسیدن به تصویر پیش روی جوامع، تنها از طریق نظام آموزشی و تربیتی امکان پذیر است. چنانچه اندیشمندان گذشته نظیر افلاطون، بنیاد مدینه ی فاضله ی ترسیم‌ی را بر پایه ی تربیت قرار داده است و در دوران معاصر نیز، دیویی همبستگی دقیقی بین تربیت و دموکراسی برقرار می‌کند و تنها دموکراسی‌هایی را پایدار می‌داند که از سر آگاهی باشد. اگرچه تصویری که هریک از کشورها از «تربیت» به دست می‌دهند، وابسته به ماهیت و زیرساخت‌های آن‌هاست، ولی مهمترین عنصری که بدون آن دستیابی به اهداف امکان‌پذیر نمی‌نماید، انسان‌هایی اند که به هدایت و راهبری جوامع می‌پردازند. از این رو در هسته ی مرکزی تصویر کلان از نظام تربیتی، انسان‌ها قرار دارند. بنابراین همزمان با ارائه ی تصویر از نظام تربیتی، تصویر شهروند مطلوب نیز ساخته می‌شود (قائدی، 1385).

اینکه، آموزش و پرورش تا چه میزان با پدیده جهانی شدن همسو بوده و در جهت آن حرکت می‌کند، به یکی از دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های کشور‌های توسعه یافته و بعضی کشور‌های نیمه توسعه یافته تبدیل شده است. زیرا از آنجایی که آموزش و پرورش به عنوان نهادی است که با تربیت و پرورش انسان سر و کار دارد بنابراین نقش بسیار موثری در رشد شخصیتی و رفتاری دانش‌آموزان خواهد داشت. همچنین آموزش و پرورش برای پویایی و بالندگی ناگزیر است مدرسه را به دنیای واقعی پیوند بزند

و در کنار ارائه دانش های تخصصی در رشته های علمی به دانش آموزان کمک کند دانش و مهارت های را کسب کند که بتواند در مواجهه با وضعیت و اقتضائات عصر جدید از جمله جهانی شدن موفق باشند. آموزش و پرورش باید به بسط و شکوفایی قابلیت های آدمی بپردازد و مهیای پرورش شهروندان جهانی باشد (عطاران، 1381، ص 26).

یعنی بتواند به تربیت شهروندانی آگاه، موثر، دارای تفکر انتقادی، مسولیت پذیری خود پنداره مثبت، خود شکوفایی فعال در مسائل اجتماعی، آگاه به حقوق خود، محترم شمردن حقوق دیگران، دارای روحیه تعاون و همکاری و... مبادرت ورزد. به عبارت دیگر آموزش و پرورش باید به تربیت شهروندانی فعال بپردازد. در این میان برنامه های درسی را نیز باید طوری تنظیم نمود که در عناصر مختلف آن از جمله اهداف، محتوا، روش های تدریس، ارزشیابی به تربیت شهروندی فعال توجه شود (حکیم زاده و همکاران، 1386).

خوشبختانه با درک ضرورت و اهمیت این امر و در پاسخ به ندای هوشمندانه رهبری معظم انقلاب اسلام (مدظله العالی)، طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران پس از تدوین و تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام پس از شکل گیری حلقه های کارشناسی پژوهشی با مشارکت صاحب نظران حوزوی، دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاههای ذی ربط، ضمن پایبندی به دیدگاههای حضرت امام(ره) و نظرات مقام معظم رهبری در باره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرادستی، از جمله سند چشم انداز بیست ساله کشور، سند مذکور به تصویب شورا رسید (سند تحول بنیادین، 1390).

بنا بر مطالب بیان شده در مورد اهمیت توجه به تربیت شهروندی و سند تحول بنیادین که نقشه راه آموزش و پرورش کشور است نگارنده در صدد برآمد که به بررسی و توصیف و تحلیل سند تحول بنیادین بپردازد و میزان توجه به مؤلفه های تربیت شهروندی فعال را در بخش های مختلف آن مورد توجه قرار دهد.

## اهداف پژوهش

هدف کلی: تحلیل محتوای سند تحول بنیادین با توجه به مؤلفه های شهروندی فعال.

## اهداف جزئی

بررسی میزان توجه به مولفه های تربیت شهروندی فعال در فصل بیانیه ارزش ها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

بررسی میزان توجه به مولفه های تربیت شهروندی فعال در فصل بیانیه مأموریت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

بررسی میزان توجه به مولفه های تربیت شهروندی فعال در فصل چشم انداز در سند تحول بنیادین.

بررسی میزان توجه به مؤلفه های تربیت شهروندی فعال در فصل هدف های کلان در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

بررسی میزان توجه به مؤلفه های تربیت شهروندی فعال در فصل راهبردهای کلان در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

بررسی میزان توجه به مؤلفه های تربیت شهروندی فعال در فصل هدف های عملیاتی و راهکارها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

بررسی میزان توجه به مؤلفه های تربیت شهروندی فعال در فصل چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

## سوال پژوهشی

سوال اصلی: به چه میزان به مولفه های تربیت شهروندی فعال در سند تحول بنیادین توجه شده است؟

## سوالات فرعی:

به چه میزان به مولفه های تربیت شهروندی فعال در فصل بیانیه ارزش ها ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده است؟

به چه میزان به مولفه های تربیت شهروندی فعال در فصل بیانیه مأموریت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده است؟



به چه میزان به مولفه های تربیت شهروندی فعال در فصل چشم انداز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده است؟

به چه میزان به مولفه های تربیت شهروندی فعال در فصل هدف های کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده است؟

به چه میزان به مؤلفه های تربیت شهروندی فعال در فصل راهبردهای کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده است؟

به چه میزان به مؤلفه های تربیت شهروندی فعال در فصل هدف های عملیاتی و راهکارها ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده است؟

به چه میزان به مؤلفه های تربیت شهروندی فعال در فصل چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده است؟

## **تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها**

### **تعاریف مفهومی**

#### **تربیت شهروندی فعال**

تربیت شهروندی فعال، تدارک دهنده فرصت هایی برای فراگیران جهت درگیری و مشارکت فعال به عنوان عضوی از مدرسه و اجتماع بزرگ تر است (کر و کیلور، 2004 به نقل از قلتاش، 1391).

#### **سند تحول بنیادین**

سندی که با هدف تحولی زیر بنایی در آموزش و پرورش و برای نیل به اهدافی از جمله تربیت باور عمیق به اسلام و اندیشه ها و ارزش های والا و در نهایت دستیابی به چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق 1404 طراحی شده است (رشیدی و احمدی، 1392: 519).

### **تعاریف عملیاتی**

## تربیت شهروندی فعال

در این پژوهش منظور از شهروند فعال فهرست مولفه های شهروندی فعال می باشد که توسط قلتاش (1388) بر اساس مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهشی پیشنهاد شده است .

## سند تحول بنیادین

در این پژوهش منظور سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می باشد که توسط وزارت آموزش و پرورش در شورای عالی آموزش و پرورش در سال 1390 تدوین، تصویب و ابلاغ شده است.

## فصل دوم

در جوامع نوین امروزی، تاثیر رشد و توسعه بر قوانین و رفتار شهروندان گریزناپذیر بوده است. چنانچه موريس دوروزه<sup>1</sup> در یکی از آثار خود مینویسد: "تبلیغات دولتهای استبدادی، تبلیغات بازرگانی کشورهای سرمایه داری، جنگ انقلابی، جنگ روانی و روابط عمومی، همه این تکنیکها بیش از شکافتن اتم، زندگی انسانهای زمان ما را تحت تاثیر قرار داده اند" و دولتها را ملزم به وضع تکالیف جدید و صیانت از حقوق شهروندان کرده است؛ که صیانت از حقوق شهروندی و پیاده سازی آن در جامعه میتواند کشور را در روند توسعه یافتگی همراهی کند (صداقتیفر، 1391). بسترسازی برای عمل به این امر مستلزم ارتقای آگاهی عمومی و مشارکت جمعی از طریق آموزش، تعلیم و تربیت، خصوصا تربیت شهروندی می باشد.

تربیت شهروندی مقوله های است که در دهه های اخیر مورد توجه بسیاری از مجامع علمی-پژوهشی در جهان قرار گرفته است. این عرصه گسترده در برگیرنده طیفی از دیدگاههای فلسفی، ایدئولوژی و سیاسی و نیز رویکردهای تعلیم و تربیت است. تربیت شهروندی، تدارک فرصتهایی برای اشتغال دانشآموزان در تجربه های معنادار یادگیری است به گونهای که به تسهیل و رشد آنها به عنوان افراد متعهد و فعال اجتماعی

وسیاسی بیانجامد. براین اساس تربیت شهروندی نگاه ویژه‌ای به یادگیری دانش و توانش و نگرشهایی دارد که فرد را در تعامل اثرگذار و مطلوب با افراد دیگر و دولت یاری میرساند(قلتاش و همکاران، 1389). بنابراین با توجه به فقدان تحقیقات کافی درحوزه حقوق شهروندی و از سوی دیگر نامعلوم بودن جایگاه آندر روشهای آموزشی، لازم است که منشور حقوق شهروندی و روشهای آموزشی در تعلیم و تربیت مورد مطالعه عمیق قرار گیرد؛ که تحقیق حاضر بر روشهای آموزشی شهروندی متمرکز است.

یکی از مباحث مهم امروز جهان حقوق شهروندی و تربیت شهروندی است و مباحث مربوط به آن طی قرن اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. سابقه پراختن به تربیت شهروندی در جوامع غربی به زمان حکمای بزرگ یونان چون سقراط، افلاطون و ارسطو باز میگردد، با این وجود به نظر میرسد که در پرتو تحولات و دگرگونیهای عمیق اجتماعی و ارتباطی، که نقش بسزایی در افزایش آگاهیهای مردم داشته است، ضرورت پرداختن به این موضوع در جوامع کنونی، به ویژه در جوامع اسلامی نیز احساس میشود.

اگرچه در مقدمهی اعلامیه «حقوق بشر و شهروندی» آمده که تنها علت بدبختی های عمومی و فساد دولتها، انکار یا فراموشی حقوق انسانی مردم است، معذالک، به نظر میرسد که نظامهای بین المللی نتوانستهاند برای ترویج حقوق شهروندی و احقاق حق کشورها و ملت‌های ضعیف اقدامی اساسی انجام دهند. در مقایسه اهداف تعیین شده در اعلامیهی حقوق بشر و پیامهای ادیان الهی خواهیم دید که ادیان الهی، به خصوص دین اسلام، میتوانند نقش بسیار مؤثرتری در ترویج حقوق بشر و شهروندی داشته باشند. بنابراین، در سیر تاریخی مباحث شهروندی، حداقل، از لحاظ چارچوب مفهومی، باید بزرگترین سهم را به ادیان الهی از جمله دین اسلام داد (مهرانپور، 2007).

در تربیت شهروندی از نگاه اسلام، ارزشهای اسلامی، سمت و سوی الهی به تربیت شهروندی میبخشند. این ارزشها از قبیل ایمان، تقوا، آخرتگرایی، احترام به هم نوع، عدالت، توکل بر خدا و ... در تمام شئون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی تأثیرگذارند. کاستی های ملاحظه شده در اصول، ابعاد و ارزشهای تربیت شهروندی در جوامع غربی، از یکطرف، و کاملبودن اصول و ارزشهای اسلامی در ارتباط با مفاهیم مرتبط با تربیت آدمی و جهت دادن انسان به سوی کمال یا همان قرب الهی، از طرف دیگر، طراحی و تدوین چارچوبی مفهومی در زمینه تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام ایجاب مینمود.

الگویی که به نظر میرسد از نیازهای اساسی نظام تعلیم و تربیتی کنونی جامعه باشد

فقدان الگو و یا چارچوبی مفهومی در زمینه تربیت شهروندی، موجب سردرگمی کودکان و نوجوانان در گزینش و پذیرش الگوهای متعدد (رفتارهای اجتماعی) گردیده است.

با نگاهی اجمالی به ساختار تعلیم و تربیت کشور میتوان دریافت که، در جامعه ایران به طور اعم و در نظام تعلیم و تربیت به طور اخص، آنطورکه باید و شاید مبحث تربیت شهروندی با رویکرد اسلامی، مورد توجه قرار نگرفته است. اما در شرایطی که ادعا میشود که تعالیم اسلامی مبنای فکری، مدیریتی و تربیتی در جامعه ایران است، زمان آن رسیده است که آموزه‌های اسلامی نقش پررنگتری در مبنای تربیت اجتماعی جامعه، به ویژه زیرساخته مهم آن، یعنی تربیت شهروندی داشته باشد. به عبارتی دیگر، شایسته است که متولیان امر تعلیم و تربیت، با بررسی مبنای تربیت شهروندی بر پایه آموزه‌های اسلامی به تربیت افراد متناسب با این نوع جامعه پردازند.

### **تربیت شهروندی**

توسعه مفهوم شهروندی و نقش آموزش در آن به طور فزاینده‌ای توسط محققان، معلمان، سیاستمداران در دهه گذشته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، به بیان دیگر، کشورهای زیادی تربیت و آموزش شهروندی را به عنوان قسمت اجباری برنامه‌های درسی در نظر گرفته‌اند تا از این طریق شهروندان مشارکتهای اجتماعی و سیاسی بیشتری در زندگی خود داشته باشند. مبنای تعلیم و تربیت جهتگیریها، کیفیت فعالیتها و اقدامات تربیتی را تحت تاثیر قرار میدهند. تعلیم و تربیت دارای مبنای مختلفی است که مبنای اجتماعی و سیاسی یکی از مهمترین آنهاست و بر پایه آن میتوان اصول و رهنمود لازم جهت هدایت فعالیتهای جمعی و روح حاکم بر تعلیم و تربیت را اتخاذ نمود. موضوع تربیت شهروندی به عنوان بخشی از مبنای اجتماعی و سیاسی شامل طیفی از دیدگاههای فلسفی، ایدئولوژیکی و سیاسی و نیز رویکردهای تعلیم و تربیت است و به یکی از پربرترین عرصه‌های پژوهشی در نظامهای تعلیم و تربیت تبدیل شده است. ادبیات و پیشینه مفهوم تربیت شهروندی با مفاهیمی همچون آموزش اخلاقی، آموزش شخصیت و آموزش تمدنی مترادف بوده و تا حدی بر مبنای آنها پیریزی شده است. مطالعات

متعددی ادعا میکنند که آموزش و تربیت شهروندی هنوز به عنوان یکی از مهمترین مفاهیم چارچوبهای رسمی نظام آموزشی باید در نظر گرفته شود.

به بیان دیگر تربیت شهروندی قسمتی از برنامه درسی ملی همه کشورها می باشد که از طریق سه رویکرد عمده به عنوان یک موضوع مستقل، به عنوان بخشی از یک موضوع یا حوزه یادگیری و همچنین یکی از ابعاد برنامه درسی در مدارس انتقال داده میشود و عمدتاً ترکیب این رویکردها مورد استفاده قرار میگیرد. (Education, Audiovisual and Culture Executive Agency, 2012).

از طرف دیگر تربیت شهروندی نگاه ویژه‌ای به یادگیری دانش، توانایی و نگرشهایی دارد که فرد را در تعامل موثر و مطلوب با افراد دیگر و دولت یاری میرساند. تربیت شهروندی تدارک فرصتهایی برای اشتغال دانش‌آموزان در تجربه‌های معنادار یادگیری است. به گونهای که به تسهیل رشد آنها به عنوان افراد متعهد و فعال اجتماعی و سیاسی بینجامد تربیت شهروندی، تربیت فرد است برای آن که به گزینش ارزشهای والای انسانی بپردازد. تربیت شهروندی یک مفهوم متکثر و چندچهره است که جوانب اخلاقی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر میگیرد و مباحثی چون مردم سالاری دینی، حقوق، مسئولیت‌ها، تحمل، بردباری، احترام و برابری را در بر میگیرد بنابراین به‌طور کلی میتوان عنوان کرد که تربیت شهروندی؛ مفهومی است که به مطالعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه وابسته است و میتوان آن را آموزش شیوه‌های مسالمت‌آمیز زندگی به‌طور خاص در یک جامعه (شهروندی ملی) و یا به طور عام در جامعه جهانی (شهروند جهانی) دانست.

دراکر (1993) معتقد است که مفهوم تربیت شهروندی بیانگر مطالب زیر می باشد:

- ✓ توانایی دیدن مسائل و نحوه برخورد آنها به عنوان شهروند جامعه جهانی
- ✓ توانایی کارکردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسولیت در نقش یا وظیفه‌های که به آنها واگذار شده است
- ✓ توانایی درک، پذیرش و تحمل تفاوت‌های فرهنگی
- ✓ توانایی تفکر انتقادی و سازمانیافته
- ✓ تمایل به حل تعارضات خود با دیگران به روشهای مسالمت آمیز
- ✓ تمایل به حساس شدن حقوق بشر و دفاع از آن

✓ تمایل به توانایی مشارکت در فعالیتهای سیاسی در سطح محلی، ملی و بین المللی (قائدی، 2006)

بنابراین از جمله اهداف مهم تربیت شهروندی باید کمک به فراگیران در کسب هویت فردی، ملی و جهانی بوده تا به عنوان یک شهروند جهانی بر حل معضلات و مشکلات دشوار بین المللی مانند تصادف جنگ، همهگیری ایدز، فقر جهانی و ... مشارکت فعال و کلیدی داشته باشد. همچنین آموزش شهروندی باید به افراد کمک کند تا شناخت شفاف و درستی از نقش خود در جامعه جهانی کسب نمایند و درك کنند، چگونه زندگی آنها در جوامع فرهنگیشان، زندگی ملل دیگر را تحت تاثیر قرار میدهد و چگونه رویدادهای جهانی میتوانند زندگی روزمره آنها را تحت تاثیر قرار دهند. بهطورکلی قلمرو برنامه های تربیت شهروندی به مرزهای ملی محدود نمیشود. بر این اساس، چرخه اجتماعی آموزش شهروندان از قلمرو فردی آغاز و سپس به خانواده، اجتماع محلی، ملی، منطقه ای و جهانی گسترش میابد و در یک بافت تعاملی و متأثر از هم، با هم مرتبط هستند.

## جدول ۲. بازتاب سند تحول در برنامه‌های وزارای آموزش و پرورش

وزیر پیشنهادی	محورهای برنامه مربوط به سند تحول
حمیدرضا حاجی‌بابایی (۱۳۸۸ - ۱۳۹۲)	هنگام معرفی ایشان به مجلس به‌عنوان وزیر پیشنهادی وزارت آموزش و پرورش، سند تحول تدوین نهایی نشده بود.
علی اصغر فانی (۱۳۹۲ - ۱۳۹۵)	- تدوین نقشه راه مدون و یکپارچه و دربرگیرنده همه برنامه‌های لازم برای تحقق زیرنظام‌های سند تحول بنیادین؛ با تأکید بر بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت قوانین و اسناد بالادستی.
فخرالدین دانش‌آشتیانی (۱۳۹۶ - ۱۳۹۵)	- تدوین و تصویب زیرنظام‌ها و برنامه جامع سه‌گانه (ابتدایی، متوسطه اول و دوم، فنی و حرفه‌ای و مهارتی) و بازبینی نقشه راه سند تحول بنیادین بر آن اساس. - استمرار گفتمان تحول در آموزش و پرورش با تشکیل شورایی از صاحب‌نظران آموزش و پرورش به‌منظور بررسی محتوایی «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «سند برنامه درسی ملی» و ارزیابی اقدامات انجام شده.
سیدمحمد بطحایی (... - ۱۳۹۶)	- تمرکز بر سند تحول بنیادین به عنوان محور و مبنای همه جهت‌گیری‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور و عامل همسوسازی وحدت و انسجام شکلی و محتوایی برنامه‌ها و اقدامات آموزش و پرورش کشور. - تأمین زیرساخت‌ها برای اجرای متوازن سند تحول. - تدوین برنامه‌ها مبتنی بر مضامین سند تحول. - طراحی تصویب تکمیل و اجرای خرده‌نظام‌های سند تحول. - توسعه گفتمان سند تحول در آموزش و پرورش.

## فصل سوم

مولفه های تربیت شهروندی عبارتند از مولفه های ارزشمندی، هدفمندی، روشمندی، نועدوستی، مردم سالاری دینی، شایسته سالاری، جستجوگری، استقلال فردی، کفایت، سلامت، وطن دوستی و اعتدال.

### سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق روشن 1404، ترسیم گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین المللی است.

تحقق ارزشها و آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. احراز عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساختهای تعالی پیشرفت همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقاء سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسانهای عالم متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه **سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش** کوشش شده است تا با الهام گیری از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزشهای بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق 1404 هجری شمسی تبیین شود.

هرچند در سه دهه گذشته تلاشهای وافر و قابل تقدیری از سوی مسئولان و دست اندرکاران نظام **تعلیم و تربیت** برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی



کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز برجای گذاشته است؛ لیکن هنوز **آموزش و پرورش** با چالش‌های جدی روبه‌رو است و برون‌داد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نمی‌باشد. از این رو، تاکیدات حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در **آموزش و پرورش** با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی و تدوین الگویی اسلامی - ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون‌رفت از چالش‌های نظام آموزشی کشور می‌باشد.

خوشبختانه با درک ضرورت و اهمیت این امر و در پاسخ به ندای هوشمندانه رهبری معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مثابه سند تحول راهبردی نظام آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در دستورکار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام پس از شکل‌گیری حلقه‌های کارشناسی پژوهشی با مشارکت صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب **آموزش و پرورش** و سایر دستگاه‌های ذیربط، ضمن پایبندی به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرادستی، از جمله سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، سند مذکور تدوین و به تصویب این شورا رسید.

موضوع:

سند راهبردی تحول نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران

مبانی نظری **سند ملی آموزش و پرورش** شامل فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران در جلسه 826 شورای عالی آموزش و پرورش مورخ دوم مرداد 1389 تایید کلی شد و مبنای تمامی سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تولید اسناد تحولی در **نظام تعلیم و تربیت** رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران است.

## فصل چهارم

### بیانیه ارزش‌ها

گزاره‌های ارزشی مندرج در بیانیه ارزش‌ها، بایدها و نبایدهایی اساسی است که لازم است تمام اجزا و مولفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی هماهنگ با آنها بوده و همه سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پایبند به آنها باشند.

این ارزش‌ها براساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و حضرات اهل بیت (علیهم‌السلام)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نقشه جامع علمی کشور و

سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده است و با مبانی نظری تحول بنیادین **آموزش و پرورش** شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آنها می‌باشد.

گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از:

1. آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به ویژه امام زمان (عج) و ولایت‌مداری در تمام ساحت‌ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی)
- تبصره: اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی براساس قوانین موضوعه اقدام خواهند کرد.
2. آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت.
3. میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه
4. فرآیند تعلیم و تربیت در تمام ساحت‌ها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه منطبق بر نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین (علیهم‌السلام) و عقل) که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد.
5. زمینه‌سازی کسب شایستگی‌های پایه با تاکید بر خصوصیات مشترک اسلامی ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.
6. هویت شناخت‌مدار و واقع‌نمایی و معنای گسترده، جامع و منسجم معرفت (وحيانی، عقلانی، نقلی و تجربی).
7. نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و موثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

8. بصیرت و تعالی در زمینه‌های گوناگون عبادی اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی.
9. کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری.
10. سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده.
11. تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت **دانش‌آموزان** برای تقویت روابط حق محور، عدالت‌گستر و مهرورزانه با همه انسان‌ها در سراسر جهان.
12. منزلت علم نافع، هدایت‌گر و توانمندساز و مقام و جایگاه عالم و معلم
13. پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت در همه ساحت‌های **تعلیم و تربیت**.
14. ارتقاء جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
15. نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهادهای مردمی، اجتماعی و رسانه.
16. عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی.
17. جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی نهاد رسانه و فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه جهت پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب آن.
18. توجه توأمان به منافع و مصالح فردی و اجتماعی در چارچوب منافع و مصالح ملی.
19. صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت هویت مشترک اسلامی ایرانی.
20. وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی.
21. تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان مشترک.
22. استمرار فرهنگ اسلامی - ایرانی از طریق ارزیابی آگاهانه آن و تعامل نقادانه با سایر فرهنگ‌ها براساس نظام معیار اسلامی.
23. مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه.
24. روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد.
25. ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چارچوب نظام معیار اسلامی و بسترسازی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان.

26. نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به عنوان عامل اثرگذار اجتماعی و مولد نیروی انسانی و سرمایه فرهنگی و معنوی جهت رشد و تعالی همه جانبه و پایدار و اعتلای فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی.
27. مدرسه به عنوان کانون **تعلیم و تربیت** رسمی عمومی و محل کسب تجربه‌های تربیتی.
28. تقویت شان حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت‌پذیری و کاهش تصدی‌گری غیرضرور در بعد اجرا با رعایت اصل عدالت
29. آینده‌پژوهی و پایش تحولات موثر بر **تعلیم و تربیت** رسمی عمومی به منظور ایفای نقش فعال در مواجهه با چالش‌های پیش رو در عرصه‌های مختلف.
30. جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تعلیم و تربیت.

### بیانیه ماموریت

**وزارت آموزش و پرورش** مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی براساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است. این نهاد ماموریت دارد با تاکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی **دانش‌آموزان** در سنین لازم التعلیم طی 12 پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله) تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. انجام این مهم نقش زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.

**نظام تعلیم و تربیت** رسمی عمومی در افق 1404، با اتکاء به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و قوام بخش آنها و زمینه‌ساز جامعه جهانی عدل مهدوی و برخوردار از توانمندی‌های تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام‌بخش و دارای تعامل سازنده و موثر با نظام‌های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی ایرانی دانش‌آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور و مشارکت‌جو، برخوردار از مربیان و مدیران مومن آراسته به فضائل اخلاق

اسلامی عامل به عمل صالح، تعالی‌جو و تحول‌آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق‌شنا

### مدرسه در افق چشم‌انداز 1404

برپایه این چشم‌انداز، مدرسه جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان براساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه **نظام تعلیم و تربیت** رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران که دارای ویژگی‌های زیر است:

- ✓ تجلی بخش فرهنگ غنی اسلامی، انقلابی در روابط و مناسبات با خالق، جهان خلقت، خود و دیگران «به ویژه تکلیف‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، کرامت نفس، امانت‌داری، خودباوری، کارآمدی، کارآفرینی، پرهیز از اسراف و وابستگی به دنیا، همدلی، احترام، اعتماد، وقت‌شناسی، نظم، جدیت، ایثارگری، قانون‌گرایی، نقادی و نوآوری، استکبارستیزی، دفاع از محرومان و مستضعفان و ارزش‌های انقلاب اسلامی
- ✓ نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیت محله.
- ✓ برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های عملیاتی در چارچوب سیاست‌های محلی، منطقه‌ای و ملی.
- ✓ نقش‌آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسئولانه و اختیاری فرآیند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی **دانش‌آموزان** براساس نظام معیار اسلامی.
- ✓ دارای ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فردی، کشف و هدایت استعدادها متنوع فطری و پاسخگویی به نیازها، علائق و رغبت دانش‌آموزان در راستای مصالح و چارچوب نظام معیار اسلامی.
- ✓ یادگیرنده، کمال‌جو، خواستار تعالی مستمر فرصت‌های تربیتی، تسهیل‌کننده هدایت، یادگیری و تدارک بیننده خودجوش ظرفیت‌های جدید در خدمت تعلیم و تربیت.
- ✓ خودارزیاب، مسئول و پاسخگو نسبت به نظارت و ارزیابی بیرونی.
- ✓ تامین‌کننده نیازهای فردی و اجتماعی و محیط اخلاقی، علمی، امن، سالم، بانشاط، مهرورز و برخوردار از هویت جمعی.
- ✓ برخوردار از مربیان دارای فضائل اخلاقی و شایستگی‌های حرفه‌ای با هویت یکپارچه توحیدی براساس نظام معیار اسلامی.

- ✓ مبتنی بر رویکرد مدیریتی نقدپذیر، مشارکت‌جو.
- ✓ متکی بر ارکان تعلیم و تربیت و بهره‌مند از ظرفیت عوامل سهیم و موثر و مبتنی بر مشارکت ذی‌نفعان با تاکید بر مرییان، دانش‌آموزان و خانواده.
- ✓ برخوردار از بهره فناوری آموزشی در سطح معیار؛ با توجه به طیف منابع و رسانه‌های یادگیری (شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات).
- ✓ دارای ظرفیت تصمیم‌سازی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
- ✓ دارای تعامل اثربخش با مساجد و دیگر نهادها، مراکز مذهبی و کانون‌های محلی نظیر فرهنگسرا، کتابخانه‌های عمومی و برخوردار از ارتباط مستمر و موثر با عالمان دینی، صاحب‌نظران و متخصصان.
- ✓ دارای پیوند موثر با موضوعات و مسائل جامعه در مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی با حضور فعال در حیات اجتماعی.

## هدف‌های کلان

1. تربیت انسانی موحد و مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزادمنش، متعلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی.
2. ارتقای نقش **نظام تعلیم و تربیت** رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تاکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش‌های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم‌سالاری دینی، تحکیم وحدت ملی، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، ارتقای آداب و آیین زندگی متعالی، بهداشتی و زیست‌محیطی.
3. گسترش و تامین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی.

4. برقراری نظام اثر بخش و کارآمد مدیریت و مدیریت منابع انسانی براساس نظام معیار اسلامی.
5. افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
6. بهسازی و تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیرساخت‌های کالبدی.
7. ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
8. کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی.

## فصل پنجم

مولفه های تربیت شهروندی عبارتند از مولفه های ارزشمندی، هدفمندی، روشمندی، نועدوستی، مردم سالاری دینی، شایسته سالاری، جستجوگری، استقلال فردی، کفایت، سلامت، وطن دوستی و اعتدال که به شدت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تاکید شده است.

تربیت شهروندی از زمینیهایی است که در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه ای برخوردار شده و دامنه مباحث و پژوهشهای آن به طور فزاینده ای گسترش یافته است (Heydari et al, 2013). به بیان دیگر در حال حاضر تعلیم و تربیت شهروندی به عنوان مفهومی چالش برانگیز در نظر گرفته میشود و مکاتب و ایدئولوژی های مختلف نیز با توجه به اصول و ارزشهای اساسی خود به تحلیل و بررسی آن پرداخته اند. متفکران و مکاتب غربی علیرغم پژوهشها و تحقیقات فراوانی که در زمینه تربیت شهروندی، اصول، ابعاد، پیامدها و ... انجام داده اند، نتایج امیدوارکنندهای ارائه نکرده اند و بیشتر مباحث آن ها در این زمینه، حول محور غایات مادی تربیت شهروندی در نظر گرفته میشود. در حالی که در سالهای اخیر و به همت پژوهشگران و متفکران ایرانی مباحث مربوط به تربیت شهروندی در دین اسلام به طور دقیق مورد



تحلیل قرار گرفته و از زوایای گوناگون بررسی شده است و پیامدهای گسترده و مثبتی در ابعاد فردی و اجتماعی در پی داشته است.

بنابراین شهروندی فعال به مشارکت فعال در جامعه و اعمال حقوق شهری، سیاسی، اجتماعی از طریق مشارکت فعال در سطح ملی و بین المللی دلالت دارد که این خود در بر گیرنده دانش و فهم از حقوق ساختارها و رویه های دموکراتیک و اجتناب از اعمال تبعیض آمیز برای افراد و گروه های خاص است.

مشارکت شهروندان در امور جامعه یکی از ارکان اساسی جوامع مردم سالار و مدنی است چرا که شهروندی در یک جامعه مدنی اول از همه با مشارکت فعال در مسائل عمومی مشخص می شود.

اگر بخواهیم شهروندانی فعال و مشارکت جو در امور کشور تربیت کنیم شایسته است در مدارس نیز دانش آموزان را در امور مختلف کلاس و مدرسه مشارکت دهیم (برخورداری، جمشیدیان، 1387)

تحقق ارزش ها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیر ساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور، در عرصه های مختلف است و تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان های عالم، متقی، آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته است و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده تا با الهام گیری از اسناد بالا دستی و بهره گیری از ارزش های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق 1404 هجری شمسی تبیین شود. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، مبتنی بر آرمان های بلند نظام اسلامی

باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق 1404 ترسیم گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی انقلابی و الهام بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین المللی است (سند تحول بنیادین، 1390)

### منابع

- Holy Qur'an. (1997). Ttranslated by Mohammad Mehdi Fouladvand, Tehran: Dar alQur'an al-Karim. (in Persian).
- Nahj al-Balaghah. (2014). Translated by Abdul Mohammad Ayati, Tehran: Islamic culture. (in Persian).
- Ahmadi,A. (2004). Value management based on Islamic values. Tehran: Tolide danesh. (in Persian).
- Bagheri,kh. (2009). A look at Islamic education. Tehran: Madreseh. (In Persian).
- Beheshti,S. & Afkhami ardekani,M. (2007). Explaining the foundations and principles of social education in Nahj al-Balaghah. Quarterly Journal of Islamic Educational School,vol 2,No,4,pp 7-38. (in Persian).
- Choob Ghaloo, M. (2008). Analysis of the curriculum implemented at the elementary level of the educational system of the Islamic Republic of Iran after the education of citizenship,Vol 5,No, 17,pp 1-33. (in Persian).
- Education, Audiovisual and Culture Executive Agency. (2012).Citizenship Education in Europe, This document is published by the Education, Audiovisual and Culture Executive Agency (EACEA P9 Eurydice and Policy Support), at: <http://eacea.ec.europa.eu/education/eurydice>.

- Euridyce. (2005). Citizenship education at school in Europe. Survey. Brussels: European Commissio.
- Farmahini farahani.M. (2010). Citizenship Education. Tehran: Aijj. (in Persian).
- Geboers, E. Geijse, F. Admiraal, W. & Ten Dam, G. (2013). Review of the effects of citizenship education, Educational Research Review, at: <http://dx.doi.org/10.1016/j.edurev.2012.02.00>
- Ghaedi, Y. (2006). Future citizen education. Quarterly Journal of Educational innovations, Vol 5, No,17, pp184-210. (in Persian)
- Ghasempour khoshroudi. E. & Saffar heydari, H. (2016). Study of the status and barriers of attention to the components of Islamic education in the university. Quarterly Journal of Culture at Islamic University, Vol 5, No,2, pp 273-293. (in Persian).
- Ghorchian, N & Eftekharzadeh, F. (2006). Presentation of a model for professional education in the country's higher education system in the third millennium, Journal of Economics and Management, No, 70, pp 67-80. (in Persian).
- Hahn, C. L. (2015). Teachers' perceptions of education for democratic citizenship in schools with transnational youth: A comparative study in the UK and Denmark. Research in Comparative and International Education, No. 10, 95° 119.at: <http://dx.doi.org/10.1177/1745499914567821>.
- Hansen, D. T. (2011). Introduction: rethinking globalization, education, and citizenship. Teachers College Record, Vol 113, No,6, pp 1135-1153.
- Heydari, M . H., Nosrati hashi, K. & Narimani, M. (2013). Principles of Education Based on the Basis of Value Education of Citizenship from the perspective of Islam. Quarterly Journal of Cultural Engineering, Vol 8, No,76, pp 24-49. (in Persian).
- Johnson, L. & Morris, P. (2010). Towards a framework for critical citizenship education. The Curriculum Journal, Vol 21, No, 1, pp 77-96.
- Kennedy, K. J. (2012). Global trends in civic and citizenship education: what are the

lessons for nation states? *Educ. Sci*, No 2, pp 121-135.

- Kishani farahani, E. Farmahini farahani, M. & Rahnama, A. (2013). Essential Elements of Islamic-Iranian Citizenship Education, *National Journal of Quarterly Journal*, Vol 14, No,4, pp 51-74. (in Persian).
- Lincoln, Y. & Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry*, Beverly, Beverly Hills, CA: Sage.
- Malekian, M. (2000 Nounber 22). Religion and Spirituality in the Process of Globalization, *Hambastegi*, No. 78, p 19. (in Persian).
- Mehr mohammadi, M. (2012). Investigating the Compensation Requirement of Curriculum Competitive Theories for the Education of a Democratic Citizen Based on Shawabi's Narrative, *Journal of Research in Curriculum*, Vol 9, No, 34, pp 18-31. (in Persian).
- Mehrpour, H. (2007). *International human rights system*. Tehran: Ettelaat. (in Persian).
- Mizra mohammadi, H. (2006). Comparative Study of Educational Objectives from the Point of Idealism and Pragmatism. *Journal of Shahed University*, Vol 15, No,30, pp 45-52. (in Persian)
- Moon, R. J. & Koo, J. W. (2011). Global citizenship and human rights: A longitudinal analysis of social studies and ethics textbooks in the Republic of Korea. *Comparative Education Review*, Vol 55, No, 4, pp 574° 599.
- Nasr, H. (2008). Traditionalism against fundamentalism. *Reflections of Thought Journal*, Vol 8, No, 96, pp 23-31. (in Persian).
- Nasr, H. (2010). *Religion and the system of nature*, translated by Mohammad Hussein Faghfour, Tehran: Hekmat Publication, Third Edition. (in Persian).
- Pour tahmasebi, S. & Tajoor, A. (2011). The rights and education of citizenship in Nahj al-Balaghah, . *Quarterly Journal of Alavi*, Vol 2, No, 2, pp 1-23. (in Persian).
- Qoltash, A. (2012). *Social and Political Foundations of Education: A Comparative Study of Citizenship Education Approaches and Perspectives*, *Research Principles of Education*, Second Year, Vol,1. No,1, pp 64-47. (in Persian).
- Qoltash, A., Yarmohammadian, M. H., Jafari, E. & Foroughi, A. A. (2008). Criticism of Curriculum Elements in Progressive and Conservative Approaches of Citizenship Education, *Knowledge and Research in Education*, Vol 5, No, 17, pp 27-48. (in Persian).

- Qoltash, A., Yarmohammadian, M.H., Foroughi Ebari; A. A.; & Mirshah Jafari; E. (2009); An Investigation of the Progressive Approach of Citizenship Education in the Elementary Curriculum of Iran, Journal of Educational Sciences, Shahid Chamran University, Ahvaz, Vol 6, No ,2, pp 37-62 . (in Persian).
- Ramirez, F. O. & Meyer, J. W. (2012). Toward post-national societies and global citizenship. Multicultural Education Review, Vol 4, No, 1, pp1° 28.
- Sharipoor, M. (2004). The Society of Education, Tehran: Samt. (in Persian).
- Strauss, A & Corbin, J. (2006). Principles of Qualitative Research Method, Translation by Biouk Mohammadi, Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies, First Edition. (in Persian).
- Tabatabaee, M. (1999). Almizan, Translation by Seyed Mohammad Bagher Mousavi Hamedani. Ghom: Islamic Publishing House. (in Persian)
- Tan, C. (2007). Islam and citizenship education in Singapore: Challenges and implications. Implications. Education, Citizenship and Social Justice, Vol 2, No,1, pp 23-39. DRAFT.
- Torney-purta, J., Lehmann, R. Oswald, H., & Schulz, W. (2003). Citizenship and education in twenty° eight countries: Civic knowledge and engagement at age fourteen, Executive summary, college park, MD: International Education Association, University of Maryland.
- Yavari, Z.; Army, N. & Ahmadi, G, R. (2013). Compilation of Curriculum Objectives in Secondary School with Emphasis on Citizenship Education, Journal of Science and Research, New Approach in Educational Management, Vol 4, No. 1, pp 147-166. (in Persian).
- Yemini, M. (2014). Internationalisation discourse. What remains to be said? Perspectives: Policy and Practice in Higher Education, Vol 18, No, 2, pp 66° 71.